

ت لملع جوسچ خیشلک

ت لسکان معاشر

واللهم إنا نشك

در حاشیه جسور کلمات

پیرامون ادبیات و جامعه‌نگاری

نشر نگاه معاصر

شاهرخ تندرو صالح

فهرست

۹	به جای مقدمه
۱۶	تجربه ادبیات شهروندی
۱۷	فرهنگ در حباب برنامه‌ریزی
۱۹	سعده؛ ادبیات تعلیمی و جامعه‌نگاری
۲۰	حق و اعتدال
۲۱	آموزش پاسخ‌گویی به شهروندان
۲۳	سوانح زندگی شهروندی
۲۵	فرهنگ پویا، اقتصاد سالم
۲۷	ادبیات و اجتماعی‌نویسی در ایران
۳۰	ادبیات در اقلیم جنگ
۳۲	ادبیات و گفتگمان انتقادی اجتماعی
۳۴	ادبیات؛ شهروند آرمان‌شهر اکنون
۳۵	تئرایین گنبد فیروزه
۳۷	فرهنگ و تاریکی‌های قانونگذاری
۴۱	شب از شمیم سحر
۴۳	این رخم را بین
۴۵	سرپرده‌ی ادب
۴۷	کلامی برای روایت کسوف ذهن
۴۹	حقوق شهروندی، دروازه طلایی ارتباطات عمومی
۵۰	قدرت انتقادی در شعر معاصر ایران در آینه شعر اخوان ثالث
۵۵	هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

۶۱	در خیابان‌های شهر
۶۵	نویسنده خود خود زنگی
۶۹	دروازه طلایی قانون
۷۰	در زمہری تلخ تماشا
۷۳	چون چراغ لاله.
۷۵	منتقد دلسوز؛ مرغ عزا و عروسی نیست
۷۷	پای درد دل متفکران دلسوز جامعه
۸۰	قدرت ادبیات انتقادی در جراحی فرهنگ قلیل و اخلاق علیل
۸۳	وقت تلخ نگرانی
۸۵	عصر رازوموف‌ها
۸۸	همدلی در شهر مفاهیم
۹۰	ادبیات دانشجویی ایران؛ فرصت پرسش و انتقاد
۹۲	مارکز در بهار خواب جاودانگی
۹۴	مدیریت پایدار و نگرانی وجود آن عمومی
۹۸	مرثیه‌ای برای گنجشک‌ها و پلنگ‌ها
۱۰۱	این شاعر عزیز؛ منصور او جی
۱۰۴	ادبیات اجتماعی؛ قلمرو مویرگ‌های حیات فرهنگ
۱۰۷	خودآگاهی منتقد؛ تأملی بر چیستی معارض بودن
۱۰۹	نوشتن در گردنه حیرانی
۱۱۱	آوار فساد اداری بر زنگی شهر وندی
۱۱۲	نقد و نقدهایی در آندیشه سعدی
۱۱۴	انتقاد؛ شاهرگ حیات فرهنگ و شهر وندی
۱۱۹	شهرزاد و دیگران
۱۲۳	در قلمرو اتزوا؛ پیرامون غزل اجتماعی هوشنگ ابتهاج
۱۲۹	ایستادنِ بر لبه تیغه اتفاق؛ رمان و دروازه‌های طلایی اش
۱۳۷	گفت و گو؛ دروازه طلایی تعامل
۱۳۹	ممکنات و حالات ثانوی گفت و گو
۱۴۲	آن پرنده و آوازه‌اش
۱۵۲	حوالی کلمه شهر وند
۱۵۵	در حاشیه جسور کلمات؛ پیرامون ادبیات ایتالیا

۱۵۷	سلطان اقلیم انزوا
۱۰۹	زنگی و شهرنشینی در ادبیات
۱۶۲	هشت سطر در میان؛ حکایت ما و زندگی
۱۶۵	بلعیده شدن در طاعون خودفریبی و دگرشدگی
۱۷۰	پشت نیمکت‌های ترس و تحقیر و رقابت‌های جرأت‌شکن
۱۷۷	مرگ و خیال زندگی
۱۸۲	ضیافت سوئلی با طعم چینی
۱۸۷	هیولای ممیزی و سانسور ایرانی
۱۹۱	پیوندگاه اخلاق و حقوق
۱۹۳	آلیگارشی چاپلوس پسند و بوروکراسی شلخته
۱۹۸	پرسه در حوالی اسم مشروح ابلیس
۲۰۲	زنگی با لولوی تاریک ترس
۲۰۶	شکستن خط عقل

به جای مقدمه

۱- ادبیات به منزله‌ای انتقادی

ادبیات معاصر ایران از نخستین عرصه‌گشایان فرهنگ مدرن است که در فرصت‌ها، تنگناها و محدودیت‌های رنگارنگ جامعه‌مان، فراز و فرودهایی فراوان را زیسته و همراه با کشف مضامین نو، زمینه‌های نوآندیشی در اقلیم ادبیات عامیانه را نیز تجربه کرده است. روزنامه‌نگاری اجتماعی اما در ایران تلاشی است پراکنده که بار آن، بیش از همه، بردوش نویسنده‌گان و شکل گرفتن روزنامه‌نگاری اجتماعی نیز مدیون نویسنده‌گان ادبی نویس است. در طول سه دهه و نیم از عمر انقلاب ۱۳۵۷، ادبیات ایران تلاش کرده تا گفتمانی مبتنی بر شرایط و واقعیت‌های اجتماعی، عقلانیت انتقادی و پرسشگری در پرداختن به مضامین انسانی را عرصه‌گشایی کند؛ تلاشی که تا پیش از آن، یا در تلقی‌های ایدئولوژیک مرسوم و تاریخ مصرف دار رُخ می‌نمود و یا در قالب تجربه‌هایی فرم‌گرایانه، سرگرم‌کننده و تفکیک‌های قالبی نو و کهنه در گنجه مصرفی تاریخ ادبیات ثبت می‌گردید. به عبارتی دیگر، دگردیسی هویتی صورت پذیرفته در اثر انقلاب، نمایه‌ای از خود را صرف پرداختن به «شکل دیگر دیدن» و «به شکل‌های دیگر شنیدن و اندیشیدن» ساخته است.

ادبیات فارسی در کار مفاهیم بلندی است که محور تمام آنها، «انسان» و «سرنوشت» اوست. پس می‌توان با این فرض، در قرابت مفهومی ادبیات ایران و جهان نیز درنگ داشت و مشترکات شان را در جهان و زنگلگی تکنولوژی‌زده مرور کرد: به اعتبار تلاش‌های پیشگامان اقلیم اندیشه و ادب فارسی است که «مدنیت»، «حقوق شهروندی» و «بهداشت و امنیت روانی» همراه با تجربه «نوشدن» در گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی ایران معاصر،